

گزارش هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره

صدمین سال تولد ولادیمیر- ایلچ - لنین

(گزارش دهنده از جانب هیئت اجراییه : احسان طبری)

رفقای عزیز!

سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه یک سالگرد بزرگ تاریخی تشکیل میشود. در آوریل سال ۱۹۷۰ بشریت مترقی صدمین سالگرد پیشوای داهی زحمتکشان جهان ولادیمیر ایلچ لنین را با شور و شکوه فراوان بر گزار خواهد کرد. حزب ما از شرکت کنندگان جلسه تاریخی مشاوره احزاب برادر

است که در ژوئن سال جاری در مسکو بر گزار شد و یکی از تصویب کنندگان سند مهمی است که این جلسه مشاوره بمناسبت صدمین سالگرد لنین در خطاب همه کمونیستها، همه مبارزانی که در راه تحول سوسیالیستی کوشا هستند، همه هواداران ترقی و صلح و زحمتکشان و خلقهای همه کشورها صادر کرده و آنها را به برپا داشتن شایسته سالگرد لنین دعوت کرده است. بهمین سبب جا دارد ما نیز در این جلسه و بدین بقیه در صفحه ۲



قطعهنامه پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی

در باره گزارش هیئت اجراییه کمیته مرکزی

حزب توده ایران در باره صدمین سال میلاد لنین

۱- سیزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش هیئت اجراییه کمیته مرکزی را در باره صدمین سال میلاد لنین استماع کرد. پلنوم نکاتی را که در این گزارش در باره شخصیت انقلابی لنین نقش تاریخی او، اهمیت و ارزش ارثیه ثوریک او، سیاست نجات بخش وی در مورد مین ما ایران ذکر شده است تأیید میکند.

۲- پلنوم تصریح میکند که بهترین راه حق شناسی ما از لنین و بیان احترام و اعتقاد ما به او آنست که فعالیت انقلابی حزب در عرصه عمل، در مین ما ایران، تقویت و تحکیم گردد و مهمترین صفت مشخصه اسلوب اندیشه و عمل لنین که در آمیختگی کامل تئوری انقلابی با پراتیک انقلابی است برای ما سرمشق قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۴

ماهی ماه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

در کنفرانس تئوریک

بمناسبت سده لنین

از تاریخ چهارشنبه ۱۹ تا جمعه ۲۱ نوامبر ۱۹۶۹ از طرف مجله « صلح و سوسیالیسم » در تالار سخنرانی این مجله واقع در شهر پراگ کنفرانس تئوریک تحت عنوان « لنینسم و دوران معاصر » بمناسبت صد سالگی میلاد ولادیمیر ایلچ لنین تشکیل بود. در این کنفرانس ۴۰ هیئت نمایندگی احزاب برادر شرکت جستند. از طرف حزب ما نیز یک هیئت نمایندگی (رفقا اردشیر و طبری) در کنفرانس نامبرده شرکت کردند. رفیق طبری تحت عنوان « تئوری لینی انقلاب اجتماعی و مغلظه گران چپ و راست » سخنرانی کرد.

رفیق زارودوف سر دبیر مجله « صلح و سوسیالیسم » در پایان سخن گفت که در شماره نوبتی مجله شرح کوتاه جریان کنفرانس نشر خواهد یافت و در آینده نزدیک متن کلیه سخنرانها بصورت کتابی منتشر خواهد شد. کنفرانس در محیط بحث خلاق و روح همکاری رفیقانه و برادرانه جریان یافت و نخستین کنفرانس تئوریک بین المللی بود که تشکیل منظم نظایر آنرا کنفرانس جهانی احزاب برادر (ژوئن ۶۹) توصیه کرده است.

با گرفتن قرضه های امپریالیستی

زنجیر اسارت ایران محکمتر میشود

بطوریکه روزنامه های ایران خبر میدهند مجلس لایحه قرضه جدید ۴۰۰ میلیون دلاری برای خرید اسلحه را تصویب کرده و بانک جهانی نیز با دادن قرضه جدید ۸۰۰ میلیون دلاری برای کمک به برنامه چهارم موافقت کرده است. ضمناً روزنامه های ایران در باره منع گرفتن قرضه برای خرید اسلحه سکوت کرده اند.

ایران کشور مقروض

برکت سیاست ضد ملی رژیم، ایران از همان روز های اول پس از کودتای ۲۸ دنباله در صفحه ۵

تبهکاری خونین جنایتکاران امریکائی در خاک ویتنام

جهان آکنده از خشم و نفرت علیه امپریالیسم امریکاست. فریادهای اعتراض از سراسر جهان، کاخ سفید واشنگتن را میلرزاند. جنایت وحشیانه ای که فاشیستهای امریکائی روز ۱۶ مارس ۱۹۶۹ در « سون-می » مرتکب شدند بشریت را بلرزده افکند. هرگز در هیچ زمانی اینهمه نفرت و خشم علیه امپریالیسم متجاوز وجود نداشته است. یانکی آبرو باخته و رسوا که با وجود تمام سلاحهای مدرنش در برابر مقاومت قهرمانانه یک ملت کوچک عاجز مانده، از توسل به بیخ قساوتی فروگذار نمیکند. حادثه فجیع « سون-می » اوج قساوت درخیم است.

دنباله در صفحه ۲



یک مجمع مهم

و ثمر بخش

در سیزدهمین (ششمین)

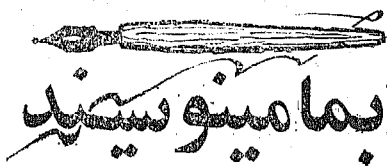
پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

از تاریخ ۲۷ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۶۹ (۶ آذر تا ۱۱ آذر ۱۳۴۸) سیزدهمین (ششمین) پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل بود. در مقابل پلنوم وظایف مهمی قرار داشت: تصویب اسناد کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری، تدارک بر گزار ی یکصدمین سالگرد میلاد ولادیمیر ایلچ لنین، تأیید سند « تعلیلی از وضع کشور و وظایف مردم ما » مصوب هیئت اجراییه کمیته مرکزی، بررسی گزارش سازمانی هیئت اجراییه و شعب کمیته مرکزی و دادن رهنمود مشخص تشکیلاتی، چنین است فهرست این وظایف.

پلنوم با برخوردی جدی و پر مسئولیت کلیه این مسائل را مطرح ساخت و مورد بررسی همه جانبه قرار داد و در اطراف آنها در محیط بحثهای دمکراتیک و رفیقانه تصمیماتی اتخاذ کرد.

دنباله در صفحه ۲

گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به سیزدهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره صدمین سال تولد ولادیمیر - ایلیچ - لنین



کسانیکه میخواهند در وزارت آبادی و مسکن استخدام شوند، باید سوگند نامه‌ای را امضا کنند و پس از اعلام وفاداری بشاه تعهد نمایند که «در هیچ یک از احزابی که دارای مرام اشتراکی باشد یا غیر قانونی اعلام شده شرکت ننمایند.

بدینال تقلیل کارگران و کارمندان، شرکت نفت که باجبار کارگران ۵۰ ساله بیلا را باز نشسته میکنند، حالا طرحی تهیه نموده که شامل کارمندان از چهل بیلا است. اخیراً به عده‌ای از کارمندان اداره موجودیهای مواد نفتی و کشتیرانی ابلاغ شده

به آمجهای مقدس خود: دموکراسی و استقلال و سوسیالیسم دست یابد، ما توده ایها تمام افتخار و معنای زندگی خود را در پیروی از این راه و روش که واقعیات تاریخی صحت و ظفر بخشی آنها را ثابت کرده است، می بینیم. ما میدانیم که بهترین حق شناسی ما از لنین تنها میتواند در عمل انقلابی ما انعکاس یابد. آموزش لنین برای کشور ما و برای درک وظائف انقلابی کمونیست های ایران اهمیت و فعلیت کامل خود را حفظ کرده است و ستاره رهنمای ما در سیر پرنج و پر آشوب زمان کنونی است.

وظیفه مقدس ماست که در آستانه سده بزرگ و بی لنین بنویس خود برای بر گزینی این جشن آماده شویم. روشن است که شرایط مشخص حزب ما بما اجازه نمیدهد که این نیت خود را با آن دامنه ای که آرزوی ماست بر آورده سازیم. ولی باید به حد وسع خود کوشید.

برای آنکه رفقای حاضر تصویری از اقداماتی که هیئت اجرائیه در نظر گرفته است انجام بدهد یا انجام داده و یا در جریان انجام دادن است داشته باشند، این اقدامات را بسم بلنوم میرسانم (اینجا سخنران یک سلسله اقدامات سازمانی و ایده نولوژیکی برای بزرگداشت سالگرد لنین پیشنهاد کرد و سپس گفت: «چنین است یکسلسله اقدامات سازمانی و ایده نولوژیکی برای بر گزینی سده لنین از جانب حزب ما که یا انجام گرفته و یا انجام خواهد گرفت. بجاست که رفقای

ارجمند بلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران نظریات و ابتکارات خود را در چهارچوب امکانات مشخص و عینی ما مطرح سازند تا حزب بتواند در چهارچوب امکانات خود پیجوی هر چه برانزده تر با این تاریخ عظیم روبرو شود. و نیز بجاست که بلنوم به رهبری توصیه کند بمناسبت این روز خجسته پیامی خاص خطاب مردم ایران صادر کند و آنها را به اقامه شایسته این سالگرد عظیم دعوت نماید. جاوید باد نام لنین نابغه فنا ناپذیر انقلاب! افزایش باد پرچم اندیشه های بزرگ لنین و بیروز باد راه درخشان او!

نبرد کرده است و انحرافات چپ و راست را افشاء و طرد نموده و ایدئولوژی انقلابی پرولتاری را از در غلطیدن بسوی ایورتونیسیم راست و رفورمیسیم یا بسوی آواتوریزم چپ و انقلابیگری کاذب با قدرت و بصارت حفظ کرده است. اندیشه لنین، شوه تفکر، اسلوب عمل و صفات اخلاقی وی بهترین سر مشق برای هر کسی است که بخواهد خدمتگزار انسانیت زحمتکش باشد. این نمونه برای نسلا الهام بخش است.

لنین دوست بزرگ و ارجمند مردم ایران است توجه لنین به سرنوشت کشور ما و دفاع پرشورش از استقلال ملی کشور ما در قبال تجاوزات و تحریکات استعمار طلبان و امپریالیستها دارای تاریخی طولانی است. در جریان انقلاب مشروطیت ایران لنین به حوادث کشور ما توجه کافی داشته است. شرکت مؤثر و جانبازانه جمعی از سوسیال دموکرات های انقلابی قفقاز در انقلاب مشروطیت ایران بسائقه آن روح و روش انترناسیونالیستی بود که آموزش و رهبری لنینی به اعناء این سازمان آموخته بود. لنین بعنوان رئیس دولت نو بنیاد شورا ها کلیه تدابیر ممکن را برای نجات ما از چنگک اسارت آور امپریالیسم و محو آثار سیطره تزاریسیم و تحکیم استقلال کشور ما اتخاذ کرد. الغاء قرارداد های اسارت بار ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ و بر افشاندن رسم حقارت آور کاپیتولاسیون که ایران را از تبدیل مستعمره کامل نجات داد از ثمرات مستقیم سیاست رهائی بخش لنین در مورد ایران و انقلاب کبیر اکثر است. بیهوده بود که برخی از گویندگان و متفکران کشور ما آنروز و بعد ها، صرف نظر از عقاید سیاسی و تعلق طبقاتی خویش، لنین بزرگ را بعنوان دوست صمیم و یار و پشتیبان ایران میستایند و او را گاه «فرشته رحمت» گاه «کاه قرن بیستم» و گاه «کسی که ایران را از خفقان رها نموده است» معرفی میکنند.

همه این نکات ما کمونیستهای ایران را بشکل مضاعف به شخصیت لنین و اندیشه های روشن و بزرگش دلبسته میکند. ما خود را در جشن سده میلاد لنین عمیقاً و با تمام دل و جان شریک میدانیم در این جشن، ما همراه احزاب برادر و خلقهای دیگر در کنار حزب کمونیست اتحاد شوروی که ساخته و پرداخته لنین است، در کنار مردم شوروی که با قهرمانهای شگرف خویش در عرصه تولید و علم و با فداکارهای بی نظیر خود علیه فاشیسم و امپریالیسم و بسود صلح و سوسیالیسم خود را مجریان شایسته وصایای لنین نشان داده اند، ایستاده ایم.

ما بر آنیم که کشور ما تنها در آن جاده ای که خورشید اندیشه انقلابی مارکس، انگلس و لنین آنرا روشن ساخته است میتواند

مناسبت از لنین و شخصیت او و اهمیت اندیشه او برای تکامل سربای تاریخ معاصر و نقش او در سرنوشت کشور مان یاد کنیم و بنویس خویش حزب را برای شرکت در بزرگداشت ولادیمیر ایلیچ لنین آماده سازیم.

نام لنین مظهر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است یعنی مظهر انقلابی است که سر آغاز عظیمترین دگر گونیهای تاریخ شده و سیمای تمدن بشری را از بیخ و بن تغییر داده و بیش از پیش تغییر خواهد داد. نام لنین مظهر چرخش عظیم جامعه بشری بسوی سوسیالیسم و کمونیسم است. این انقلابی سترگ با نیروی اراده و خرد نیرومند و پر ثمر خود متشابه یکی از بزرگترین تحولات قرار گرفته و در میدان عمل مترقی و انقلابی خود را قهرمانی بهادر و بی همتا نشان داد.

لنین اندیشه وری است بزرگ. وی دانش سوسیالیسم علمی را که کارل مارکس و فریدریش انگلس بنیاد گزار آن بوده اند و جهان بینی ماتریالیسم دیالکتیک را در شرایط نوین تاریخی بشکل خلاق بسط داد و فصل برجسته بر این دانش افزود و آرمان های علمی انقلابی را با قاطعیت و ثمر بخشی حیرت انگیزی به تحقق عملی آن نزدیک ساخت.

لنین حزب طراز نوین طبقه کارگرا بنیاد نهاد و تا کنیک و استراتژی چنین حزبی را برای یورش به دژ سرمایه داری و امپریالیسم و تصرف قدرت جا گاه بسود طبقه کارگر تنظیم کرد. وی بنیاد گزار نخستین دولت کارگری جهانی و موجد دموکراسی نوین شوروی است که شکل عالیتر دموکراسی در شرایط مشخص تاریخی است.

مبارزه لنین علیه امپریالیسم جهانخواه، بغاظر اتحاد جنبش انقلابی کارگری کشور های رشد یافته سرمایه داری و توده های ستمدیده کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، بغاظر تجمع نیرو های صلح علیه نیرو های جنگ، بغاظر تحکیم پیوند انترناسیونالیستی بین خلقها و علیه ناسیونالیسم و شوینیسم بورژوائی، منجر به تحولات عظیمی در تاریخ معاصر ما شد، امپریالیسم و نیرو های جنگ و ارتجاع را بیش از پیش متفرد کرده، جبهه معظم خلقها را در نبرد بغاظر آرمان های مشترک بشکل بیسابقه ای مجتمع ساخته است. امروز گوشه ای در جهان نیست که در آن نام لنین و اندیشه های رها گرش طین افکن نباشد و خلقی نیست که از این اندیشه ها فیض و الهام نگیرد.

در زیر پرچم لنینیسم، جنبش انقلابی کارگری وارد مرحله کیفی نوینی شد و به سطح عالیتری ارتقا یافت. لنین پیوسته علیه رخنه اندیشه های بورژوائی در صفوف طبقه کارگر و حزب او با قاطعیت و استحکام علمی و ایمانی

که طبق طرح جدید باید از کار بر کنار شوند. مبارزه و مقاومت دستجمعی کارمندان تاسیون مانع اجرای این نقشه شده است. کارگران ساختمانی فاقد همه گونه وسائل کار و ایمنی هستند و بطور وحشیانه استثمار میشوند، چندی قبل کارگری از ساختمان سقوط کرد و حالا بستری است و هیچ مرجعی هم نیست که با او و خانواده اش کمک کند. در راه آهن عده ای جوان را با روزی ۲۵ ریال استخدام نموده اند. این جوانان نمیدانند با روزی ۲۵ ریال چگونه زندگی نمایند.

از مهر ماه ۴۵ تا اواخر ۴۷، از حقوق ۲۲۰ معلم روز مزد در آبادان مبلغ ۹۲۴۰۰۰۰ ریال توسط مسئولین فرهنگ آبادان حیف و میل شده است. رئیس فرهنگ وقت و رئیس حسابداری، با جعل امضای معلمین و تنظیم لیست جدا گانه موفق شدند این پول را در دوران «انقلاب» بالا بکشند. پس از باز شدن مدارس، هزاران کودک دبستانی و دانش آموز دبیرستانی پشت در های مدارس مانده اند. در برخی از نقاط کشور مدارس با بچه های خود با ادارات آموزش و پرورش رفته و اعتراض کرده اند.

آنها میگفتند دکان مبارزه با بیسوادی را تخته کتیبند بچه های ما مدرسه میخواهند بچه ها نیز با هم دستجمعی فریاد میزدند ما مدرسه میخواهیم... ما دبستان میخواهیم. در دهات ایران دهقانان بدکتر و دارو احتیاج دارند، کمبود د کتر بعدی است که از دهات اراک گرفته تا خود اندیشک یک داکتر وجود ندارد. تنها در ایستگاههای مهم راه آهن یک بدکتر وجود دارد که دارو و وسائل کار ندارند.

اخیراً ده حسن آباد که از توابع خنج است مشمول اصلاحات ارضی شده است، ولی قنات آبیاری ملک مزبور خوابیده، حالا دهانانیکه زمینها را خریدارند در مانده شده و نمیدانند چه کنند؟ نه دولت قنات را راه میندازد و نه دهقانان پولی برای این کار دارند.

چندی پیش یارندگی شدید و سیل خسارات زیادی بهات اطراف اراک وارد آورد، بیش از ۱۳۰۰ راس گوسفند نابود شد و صدها گاو از بین رفت. دهقانان صدمه شدیدی زمستانی خود را نیز از دست داده اند. در جستجوی نان راه تهران و دیگر شهرستانها را در پیش گرفته اند.

هنگام انتخابات خانه انصاف در یکی از دهات ایران، مالکین شکست خوردند و دهقانان آراء بیشتری بدست آوردند. ولی قبل از اینکه خانه انصاف تشکیل گردد، مالکین با نفوذی که در دستگاههای دولتی داشتند انتخابات را لغو کردند و خودشان را بعنوان نمایندگان خانه انصاف برگزیدند. در نتیجه این انتصاب اموال و اختیارات آنها همچنان در چنگ مالکین باقی میماند.

زایشگاه فرح شکل رقت انگیزی بخود گرفته است و صلو از بیماران زایمان است، دنباله در صفحه ۷

تبهکاری خونین جنایتکاران امریکائی در ویتنام

جنایتکاران امریکائی سیددهم ۱۶ مارس ۱۹۶۸ بفرماندهی « ارنست مدینا » مردم بی دفاع ده « سون می » را با صدای مسلسل از خواب بیرون کشیدند. در حالیکه دو گروهان سرباز امریکائی ده را محاصره کرده بودند با تیراندازهای مکرر مردم را اخطار نمودند تا از خانه های خود خارج شوند. زن، مرد، کودک و حتی پیر زنان و پیر مردان بیمار باید اجباراً از خانه ها خارج میشدند نخست مردم را در یک نقطه جمع نمودند و سپس آنها را بمسلسل بستند مادران وحشت زده سر و دست را سیر دفاع از کودکان خود میگرداند و کودکان شیرخوار بار گبار گلوله بسینه های مادرانشان دوخته میشدند. قهقهه جلا دادن در میان شیون اهالی بگوش میرسید. ددان آدمی صورت از درد و رنج جانسوز قربانیان خود لذت میبردند. پس از این کشتار جمعی بجستجوی خانه های دهقانان پرداختند. در یکی از خانه ها ۱۵ نفر را یکجا با مسلسل و نارنجک دستی از پای در آوردند. جلو در اجساد مقتولین تلمبار شده بود. در خانه دیگری ۷ نفر را با انفجار مین بقتل رساندند. بر روی مادری که کودک یکساله خود را در آغوش داشت گاه ریختند و مادر و کودک را آتش زدند. پیکر نجیب کودک شیرخواره پس از چند دقیقه زغال شد اما در چهره نیمه سوخته اش زبانش هنوز در جستجوی پستان مادر بود. در خانه دیگری به زنان دستور داده شد که از خانه بیرون بیایند و پس از تجاوز بپسرمانه به آنان، آنها را با کودکانشان بقتل رساندند.

یک کلبه ای یک زن روستائی و چهار کودک او غذا میخورند. فاشیستهای امریکائی خانه را با مین منفجر کردند. مادر که جلو در نشسته بود بدنش آنا متلاشی شد. یکی از کودکان که بشقاب برنج خود را در دست داشت، قبل از انفجار بیرون دوید، اما هنوز چند متری بیشتر نپویده بود که سرباز امریکائی مغزش را با گلوله متلاشی ساخت. در خانه دیگری « لین » کوچولو با پدر بزرگ و مادر بزرگش زندگی میکرد. آدمکشان امریکائی به خانه او هجوم بردند. « لین » بیرون دوید تا بخانه همسایه پناه برد. آنجا هشت جسد را غرقه در خون دید در شکم یکی از کودکان خانواده سر نیزه فرو کرده بودند. « لین » وحشت زده بیرون دوید. همه جا اجساد کشته شدگان، همه جا خانه های مشتعل، دژخیمان به « لین » هم رحم نکردند و او را با گلوله از پا انداختند.

یکی از سربازان امریکائی که خود در قتل عام « سون می » شرکت داشته، صحنه فجیعی را برای خیر نگاران چنین توصیف نمود: « پسر بچه سه چهار ساله ای که بازویش تیر خورده بود در گوشه ای ایستاده و زخم بازویش را در دست دیگری میفشرد و از میان انگشتان کودک خون بیرون میچکید. وی خیره و مبهوت با طرف خویش می نگریست. گویى هنوز نمیتوانست آنچه را که میبیند باور کند. در همین موقع یک افسر امریکائی در سینه کودک آتش کرد و جا بجا او را از پای در آورد. « اوج قساوت دژخیمان هنگامی بود که ۱۰۰ نفر را در کنار رودخانه یکجا بمسلسل بستند و اجسادشان را به آب انداختند. تنها یک افسر امریکائی بنام « ویلیام کلی » ۱۰۹ تیر شلیک نمود. « میچل » فرمانده یک گروهان بادیست خود ۳۰ زن و کودک را بقتل رساند. این جلا داد که قبلا در ارتش آمریکا در آلمان غربی و کره جنوبی خدمت میکرده چندی پیش بیاس « شامت » به در-

یافت ستاره برنز مفتخر شده است. وی که با آتش گلوله هایش، شمله زندگی دهها کودک ویتنامی را خاموش نموده، در مصاحبه با خوشحالی اظهار داشت که: « بزودی منتظر تولد نخستین کودک خویش است » او با وقاحت اعتراف نمود که: « ما با ویتنامیها مانند چهار پایان رفتار میگردیم. « سیمسون یکی دیگر از سربازان میگوید: « بمادستور داده شد وقتی که ما ده را ترک میکنیم باید همه چیز نا بود شده باشد: روستاییان، زنان، کودکان، نوزادان، خوکها، مرغها و خروسها، همه چیز... ما هم طبق دستور همه جا را گشتیم و همه چیز را نا بود گردیم. « وی میگوید: « در کلبه ای یک زن، یک مرد و یک کودک دیدیم به آنها دستور دادیم بی حرکت بایستند. بمادستور ما اعتنا نکردند بن فرمان داده شد برویشان آتش کتم. من هم بروی زن و بچه آتش کردم. البته این برخلاف میل من بود ولی من دستور فرمانده را اجرا کردم » این اعتراف، شکوه یک مادر امریکائی را بیاد می آورد که میگوید: « من فرزندم را یک انسان تربیت کردم ولی از او یک قاتل ساختم. » سرباز دیگری میگوید: « ۳۰ - ۲۰ نفر را کنار کودال بصف گردیم و فرمانده فرمان آتش داد. من حتی یک مرد در میان این عده ندیدم. همه زن و کودک بودند. بیاد هست که هنوز بعضی از آنها علیرغم جراحت شدید حیات داشتند. ما مجدداً بروی آنها شلیک کردیم.

پس از افساء قتل عام فجیع ده « سون می » که قریب ۷۰۰ نفر در آن بقتل رسیدند، صحنه های دیگری از جنایات امریکا در ویتنام فاش شد. روزنامه « سندی تایمز » مینویسد: « شب ۲۳ سپتامبر ۶۹ سربازان و افسران امریکائی در نزدیکی ده « خون نگوک » موضع گرفتند. از ماهها پیش، در این ده اثری از فعالیت « ویت کنگها » دیده نشده بود. مهنا تصمیم گرفتند به ده حمله برند. در این حمله ده کلبه دهقانی را ویران کردند. در یکی از کلبه ها پنج کودک را بروی تخت نشانند و آنها را آتش زدند. در کلبه دیگری، مادر جوان خانواده بیمار و بستری بود. پنج سرباز امریکائی بنوبت بزنج تجاوز کردند و سپس تمام خانواده را بمسلسل بستند شوهر، خواهر، زن و دو کودک. وقتی متوجه شدند که یکی از بچه ها که دختر کی ۵ ساله بود هنوز نفس میکشد، سربازی با قنداق تفنگ بر مغز

با گرفتن قرضه های...

امپریالیسم امریکا را به سرسپردگی خود جلب کرده است. علت پرداخت این مبلغ هنگفت را بویژه در اینجا باید جستجو کرد که بزبان اطلاعات بانك جهانی « ایران را واجد کلبه خصوصیات کشوری میناسد که میتواند، میدان مناسب و مطمئن جهت فعالیت سرمایه های خارجی باشد. » و بسخن دیگر غارت بدون درد سر! حالا این وام با سود ۶٫۲۵ آن که طی پنجسال پرداخت میشود، از چه منبعی باید مستهلک شود، البته معلوم نیست و باید همان دور آسلسل جهنمی را بیاد آورد. ولی قرضه برای خرید اسلحه صرف نظر از جنبه اقتصادی، که بمعنی آب کردن اسلحه و مهمات امریکائی با سود کلان است، جنبه سیاسی و نظامی مهمی دارد. بحران خاور میانه، رشد جنبشهای آزادیبخش ملی عرب، که بویژه بصورت تشکیل دولتهای ملی در سودان و لیبی در ماههای اخیر بروز کرده، تشدید فعالیت جنبش مقاومت خلق فلسطین، که موجب نگرانی اشغالگران و تجاوزکاران اسرائیلی و پشتیبانان امپریالیست آنان شده، وضع امپریالیسم و رژیمهای وابسته به آنرا بیش از پیش متزلزل کرده است. در چنین شرایطی امپریالیست های امریکائی حاضر شده اند - البته باز هم نه مجانی - بیش از پیش به ایران نقش اسرائیل دوم را در خاور میانه باهند.

سیاست خیانت ملی

سفر نامیمون شاه به امریکا که قرضه های جدید نظامی و اقتصادی ارمنان آشکار آنت است، بار دیگر پرده از ماهیت آن سیاستی برمیدارد که به آن نامی جز سیاست خیانت ملی نمیتوان داد. علاوه بر این تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم و برعهده گرفتن نقش نیروی ضربتی امپریالیسم در خاور میانه در کنار اسرائیل سیاستی است خطرناک، که عواقب وخیمی برای مین ما دارد. همه نیرو های ملی باید با درک عمیق این عواقب مبارزه خود را بر ضد رژیم تشدید کنند و بویژه این مبارزه را بر پایه اتحاد قرار دهند تا بتوان راه رژیم را برای ادامه خیانت ملی سد کرد. م. انوشه

دنباله از صفحه ۵

واقعت زندانهای شاه

کجا منتهی گردد.

ما نمیدانیم این چه انسانیت و مسلمانی هیئت حاکمه ایران است که یکنفر انسان باید از قوت لایوت و حداقل ما بحتاج اولیه برای ادامه زندگی محروم باشد و بسوزد و بسازد و بر اثر فشار هزینه سرسام آور زندگی از پای در آید. در خاتمه از امضاء صریح معذور هستیم زیرا شاید شما هم راضی نباشید از جهت یک امضاء سالیان دراز زندان ما اضافه شود و یا به تبعید گاهی تبعید گردیم.

زندانیان سیاسی زندان شماره ۴

قصر - تهران

کودک کوید.

طی سالهای جنگ کشیف ویتنام، امپریالیسم امریکا بشبه فاشیستهای هیتلری انواع فجایع را نسبت به این ملت قهرمان و شریفه استقلال مرتکب شده است. بنا به نوشته مطبوعات جهان تا پایان ژوئن سال ۱۹۶۲ فقط در ویتنام جنوبی ۱۵۶۰۰۰۰ نفر بقتل رسیده، ۳۷۰۰۰۰۰ نفر زندانی شده، ۶۷۲۰۰۰۰ نفر در اثر بمباران و شکنجه معلول و ۳۰۰۰۰۰۰ نفر اسیر شده اند. از اواخر سال ۱۹۶۴ که رژیم سایگون بیش از پیش متزلزل و بی اعتبار شد، بتناگون نه تنها جنگ علیه مردم ویتنام جنوبی را تشدید نمود، بلکه دامنه عملیات جنگی را بخاک جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی کشاند. تعداد افراد ارتش امریکا در ویتنام به ۵۴۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. ۱۰۰۰۰۰۰ حمله هوایی بخاک ویتنام شمالی شد و بر سر مردم صلحدوست این کشور دو میلیون و نیم تن بپ ریخته شد. تا پایان سال ۱۹۶۸ از طرف متجاوزین ۱۶۰۰۰۰۰ حمله برای باصطلاح « تصفیه منطقه از عناصر دشمن » به مناطق غیر نظامی صورت گرفته شماره مقتولین به ۱۷۰۰۰۰۰ نفر، مجروحین به ۸۰۰۰۰۰۰ نفر، زندانیان به ۴۰۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. ۵۰۰۰۰۰۰۰ نفر نیز باردو گاههای اسیران اعزام شده اند. فقط در ویتنام جنوبی بیش از ۲۵۰۰۰۰۰۰ کودک طعمه آتش بهبهایی ناپالم شده اند.

امپریالیسم امریکا بر سر مردم آتش و خون میبارد تا جیب انحصارات را پر کند. بودجه نظامی امریکا در دوران تجاوز تبهکارانه علیه ویتنام از ۴۶۰۷۵ میلیارد دلار به ۷۵ میلیارد دلار فزونی یافته، هزینه روزانه جنگ ویتنام برای امریکا از ۳۰۹ میلیون دلار به ۸۰ میلیون دلار رسیده و سودهای عظیمی برای انحصارات تأمین شده است. اما ملت قهرمان ویتنام علیرغم فجایع دردناک فاشیست امریکائی میزمد و تسلیم نمیشود. ارتش امریکا و دولت دست نشانده سایگون بیش از پیش آبرو میازند و مردم ویتنام با پیکار دلیرانه خود هر روز در مناطق وسیعتری سر نوشت خویش را در دست میگیرند.

خلق ویتنام و افکار عمومی جهان خواهان خروج بدون قید و شرط ارتش امریکا از ویتنام است. تظاهرات پر دامنه ای که در ماههای اخیر در امریکا و سراسر جهان علیه امپریا- لیسم امریکا و برای هبستگی با خلق دلوار ویتنام انجام شده مؤید این امر است. طبق آخرین آمار گیری مؤسسه « گالوپ » ۵۵ درصد مردم امریکا مخالف با جنگ ویتنامند. این نسبت شامل ۴۸ درصد مردان و ۶۳ درصد زنان میشود. جامعه صلح دوست بشری هم آوا خواستار خروج بدون قید و شرط امریکا و پایان جنگ ویتنام است. متجاوزان امریکائی هر قدر عناد ورزند سر انجام گریزی جز تبعیت از افکار عمومی جهان ندارند، مینسو

اعلامیه

شورای تحریریه مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم»

شورای تحریریه مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ارگان تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری اجلاسیه معمول خود را از ۳۰ اکتبر تا ۳ نوامبر سال ۱۹۶۹ در پراگ تشکیل داد.

در کار شورا هیئت های نمایندگان ۵۸ حزب کمونیست و کارگری بشر زیر شرکت داشتند: حزب کمونیست اتریش، حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره، حزب کمونیست آرژانتین، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست بلوی، حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست بریتانیای کبیر، حزب کمونیست ونزوئلا، حزب متحده کمونیستهای هائیتی، حزب توده تریفخواه گایان، حزب کارگواتالا، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کمونیست هند و رأس، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران، حزب کمونیست ایرلند شمالی، حزب کار ایرلند، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست کانادا، حزب تریفخواه خلق زحمتکش قبرس، حزب کمونیست کلمبیا، حزب آوانگارد توده کستاریکا، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لوکزامبورگ، حزب کمونیست مکزیک، حزب توده انقلابی مغولستان، حزب کمونیست نروژ، حزب توده پاناما، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست پرو، حزب کارگر متحده لهستان، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، حزب کمونیست سوئدان، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست اوروگوئه، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست شیلی، حزب چپ کمونیستهای سویس، حزب کمونیست افریقای جنوبی، حزب کمونیست ژاپن، دو حزب که در حالت مخفی فعالیت میکنند و نام آنها به ملاحظه حفظ امنیت آنان ذکر نمیشود و نیز نماینده مارکسیستهای سنگال.

در جریان بحث که در آن تمام هیئت های نمایندگان شرکت کردند شورای تحریریه گزارش هیئت تحریریه را در باره کار و فعالیت مجله طی سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۹ مورد بررسی همه جانبه قرار داد. خاطر نشان گردید که انتشار مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» پاسخگوی نیازمندیهای رشد جنبش جهانی کمونیستی است و به وحدت و همبستگی بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری کمک میکند. شورای تحریریه تدابیر لازم برای بهبود فعالیت مجله اتخاذ کرد.

شورای تحریریه به مجله مأموریت داد جریان تدارک برگزاری صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین را که توسط احزاب کمونیست و کارگری آغاز شده است بطور وسیع منعکس سازد و به ترویج و تکامل خلاق مارکسیسم - لنینیسم کمک کند.

مقرر گردید که مجله خوانندگان خود را بطور وسیع با تجربه و فعالیت احزاب کمونیست و کارگری آشنا سازد و به اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی بسود مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح، دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم مجدانه کمک کند.

شورای تحریریه از تمام احزاب کمونیست و کارگری دعوت کرد در کار طبع و انتشار مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بطور فعال شرکت کنند. به هیئت تحریریه مجله مأموریت داده شد اطلاعیه مربوط به کار شورای تحریریه را برای تمام احزاب کمونیست و کارگری ارسال دارد.

کار شورای تحریریه در محیط کار جدی و رقیانه و با روح تفاهم متقابل و همکاری برادرانه انجام گرفت.

دنباله از صفحه ۸

تسلیمیت

پس از سقوط دیکتاتوری رضا شاه، دومین دوران پررسم مبارزات رفیق صادق زمانی با قبول عضویت حزب توده ایران آغاز شد. وی مؤسس حزب توده ایران در شهر آستارا بود و بعنوان صدر کمیته محلی فعالیت میکرد. در شهریور ۱۳۲۱ از طرف پلیس آستارا دستگیر شد ولی چون دلیل قانونی علیه وی وجود نداشت بر اثر فشار نیروهای آزادیخواه از زندان آزاد گردید. رفیق صادق زمانی فعالانه در نهضت خلق آذربایجان شرکت نمود. وی صدر کمیته محلی فرقه دموکرات آذربایجان در آستارا و نماینده مردم آستارا در مجلس ملی آذربایجان بود. رفیق زمانی در سال ۱۳۲۵ مجبور به هجرت بکشور اتحاد شوروی گردید. در مهاجرت نیز ایمان انقلابی خود را پیوسته حفظ نمود. ما با تأسف و اندوه درگذشت رفیق صادق زمانی را بخوانده اش و بویزه به فرزند ایشان رفیق سهراب زمانی تسلیمت میکنیم.

شورای تحریریه مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم»

ارگان تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری

میرسد.

بموجب اساسنامه مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ارگان جمعی تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری، دومین شورای تحریریه مجله با شرکت نمایندگان ۵۸ حزب برادر از ۳۰ اکتبر تا ۳ نوامبر ۱۹۶۹ در پراگ تشکیل شد. هیئت نمایندگان حزب توده ایران در این شورا شرکت داشت. هیئت تحریریه مجله ضمن گزارش جامعی به شورا جوانب گوناگون کار و فعالیت خود را در زمینه های کمک به ترویج تئوری مارکسیستی - لنینیستی، تبادل نظر میان احزاب برادر، تحکیم وحدت ایدئولوژیک و اتحاد صفوف جنبش جهانی کمونیستی و تقویت انترناسیونالیسم پرولتاری، تحلیل تجربه فعالیت و مبارزات احزاب کمونیست و کارگری علیه امپریالیسم و در راه صلح و سوسیالیسم تشریح کرد. مساعی هیئت تحریریه در دوران مورد گزارش معطوف بوده است به انتشار منظم مقالاتی در تحلیل مسائل گوناگون فلسفه و اقتصاد سیاسی مارکسیستی، کمونیسم عامی و تشریح مسائلی که احزاب برادر در زمینه با پراتیک انقلابی مطرح ساخته اند.

تحلیل خصائص اساسی دوران معاصر تشریح پروسه ها و گرایشهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و کلیه جوانب اساسی حیات اجتماعی یعنی اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی در مرکز توجه مجله قرار داشته است. در بسیاری از مقالات مسائل مربوط به جوانب گوناگون رشد جامعه سوسیالیستی، اهمیت وحدت و همبستگی کشورهای کمونیست، وحدت اقتصادی آنان و نیز جوانب تئوریک مسائل مرمم مربوط به تکمیل اسلوب های رهبری جامعه سوسیالیستی و پیشرفت های کشورهای سوسیالیستی در زمینه های اجتماعی اقتصادی و سیاسی و پیشبینی پروسه های اجتماعی و مسائل گوناگون تئوریک و پراتیک رفرم های اقتصادی که اکنون در کشورهای سوسیالیستی صورت میگردد، سیاست خارجی کشور های سوسیالیستی و نقش آنان در پیشرفت جنبش انقلابی جهانی مورد بررسی عمیق قرار گرفته است.

مقالات بسیاری به تحلیل مسائل حاد ایدئولوژیک و فلسفی و مسائل مرمم جنبش جهانی کمونیستی، جنبش آزادیبخش ملی جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری رشد یافته، یونند متقابل میان جنبشهای آزادیبخش ملی با سیل عمومی انقلاب جهانی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک علیه امپریالیسم افشاء استراتژی کنونی امپریالیسم و اشکال و اسلوب های استعمار نو، ویژگی های تضاد های کنونی امپریالیسم اختصاص داشته است.

مجله در حال حاضر در بیش از ۱۴۰ کشور منتشر میشود و مجموع تیراژ ماهانه آن بزبان های مختلف به ۳۶۰ هزار نسخه میرسد.

شورای هیئت تحریریه مسائل مختلف مطروحه در گزارش را مورد بررسی همه جانبه قرار داد و خطاطر نشان ساخت که انتشار مجله «صلح و سوسیالیسم» پاسخگوی نیازمندیهای رشد جنبش جهانی کمونیستی است و به وحدت و همبستگی صفوف جنبش بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و اسناد و قرار های مصوبه جلسات مشاوره جهانی احزاب برادر کمک میکند. نقائصی که طی دوران مورد گزارش در مجله وجود داشت نیز از نظر دور نماند و پس از بررسی آنها پیشنهاد های مشخصی برای بر طرف ساختن آنها ارائه شد. پیش از پیش سطح تئوریک مجله ارتقاء شد. هیئت نمایندگان حزب توده ایران ضمن سخنرانی خود پس از تأکید نقش مثبت مجله در دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم و کمک آن به احزاب برادر در زمینه تحلیل مسائل اقتصادی، سیاسی و فلسفی و ایدئولوژیک و مبارزه علیه امپریالیسم و در راه آزادی و استقلال ملی و تأکید ضرورت طرحریزی و تحلیل تئوریک جامعتر مسائل مربوط به کشور های در حال رشد و غیره، چگونگی شرکت حزب ما را در کار انتشار چاپ فارسی مجله که بصورت نشریه مختصر شده «مسائل بین المللی» انجام میگردد تشریح کرد.

نمایندگان احزاب برادر ضمن سخنرانی های خود از جمله به هیئت تحریریه توصیه کردند جریان تدارک برگزاری روز تاریخی صدمین سال تولد ولادیمیر ایلیچ لنین بشوای آموزش کار زحمتکشان جهان را که اکنون توسط احزاب و ملل جهان انجام میگردد بطور وسیع در صفحات خود منعکس سازد.

شورا در پایان کار خود اعلامیه ای صادر کرد که متن آن در همین شماره باطلاع خوانندگان عزیز میرسد.

دنباله از صفحه ۱

نظمنامه پانزدهم ۱۳ کمیته مرکزی

در باره گزارش هیئت اجرائیه ...

۳- پلنوم اقدامات مشخص سازمانی و ایدئولوژیک را که برای برگزاری سالگرد لنین در شرایط مشخص و در چارچوب امکانات موجود برای حزب ما میسر است و در گزارش ذکر شده تأیید و اجراء آنها را به رهبری توصیه میکند.

۴- پلنوم به رهبری توصیه میکند که بمناسبت سالروز خجسته میلاد لنین پیامی خاص خطاب به مردم ایران صادر کند و آنها را به اقدامه شایسته این سالگرد بزرگ دعوت نماید.

داد خواست علیه امپریالیسم

ما امپریالیسم را متهم میکنیم:

باینکه موحدترین خطر را برای آینده تمام خلقها بوجود آورده است.

امپریالیسم آن نظام اجتماعی است که نیروی حاکم در آن را سرمایه انحصاری تشکیل میدهد.

امپریالیسم بمعنای تمرکز ثروت های عظیم مولود رنج و محرومیت میلیونها انسان در دست گروه کوچکی از سرمایه داران انحصارگر است.

ما امپریالیسم بمعنای وابستگی و بازرگانی خلقهای دژها کشور و بمعنای آنست که این خلقها بوسیله انحصار های سرمایه داری که گرسنگی و فقر برای آنها به ارمغان میآورند، در معرض غارت قرار گرفته اند.

امپریالیسم بمعنای مبارزه مستمر انحصار ها بخاطر منطقه نفوذ و قدرت است و این مبارزه بوسیله خطر جنگهای تازه را در بر دارد.

ما امپریالیسم را متهم میکنیم که دورانی را که برای پیشرفت جامعه بشری امکانات بی نظیر پدید آورده است، به دورانی که در آن میلیونها انسان در نهایت فقر بسر میبرند و به دوران آکنده از ترس و وحشت بدل ساخته است.

ما امپریالیسم را متهم میکنیم:

باینکه فقط طی ۶۰ سال سده کنونی بیش از صدها سال گذشته مرگ و ویرانی برای جامعه بشری بیار آورده است. فقط در جریان دو جنگ جهانی اخیر بیش از ۶۰ میلیون نفر بقتل رسیدند و ۱۱۰ میلیون نفر معلول شدند علاوه بر اینها دهها میلیون نفر در اثر بیماریهای واگیر و سایر بیماریهای ناشی از جنگ به هلاکت رسیدند. جامعه بشری همچنین در نتیجه پائین آمدن سطح تولید و افزایش شدید میزان مرگ و میر در کشورهایی که مستقیماً یا بطور غیر مستقیم بمرصه جنگ کشانده شده بودند، تلفات عظیمی متحمل شده است.

در دوران دهشت زای فاشیسم بیش از ۲۶ میلیون نفر به اردوگاهها تحویل شدند، ۱۱ میلیون نفر یا در اطاق گاز نابود شدند و یا تیرباران و حلق آویز شدند و یا بوسائل وحشیانه دیگر بهلاکت رسیدند.

در نتیجه بحران های اقتصادی بیش از هزار میلیارد دلار ارزش های مادی نابود گردید. در حالیکه میلیونها نفر به گرسنگی و بیماری و فقر محکوم بودند.

ما امپریالیسم را متهم میکنیم:

باینکه جنایات استعماری مرتکب شده است. جنایات استعمار عبارتست از:

اشغال اراضی کشورهای غیر و پایسال کردن حق حاکمیت خلق ها.

جنگهای استعماری. این جنگها بشیوه های کاملاً غیر قانونی و بکثرت سلاحهایی که حقوق

بین المللی آنها را ممنوع اعلام کرده است، از جمله بمکات سلاحهای شیمیائی و باکترو-لوژیک انجام میگردد.

کشتار و امحاء جمعی مردم آسیا و آفریقا و امریکای لاتین.

استعمار اهالی بومی را بگرسنگی محکوم میکند. سلامت خلقها را بخطر میاندازد، بیسوادی و خرافات مذهبی را حفظ میکند و از پیشرفت فرهنگ جلوگیری بعمل میآورد. تمام این جنایات بمنظور حفظ منافع عظیم انحصار های خارجی انجام میگردد.

جنگ تبهکارانه امپریالیسم امریکا علیه خلق ویتنام.

استعمال سلاحهای امحاء جمعی که بوسیله حقوق بین المللی ممنوع شده است، علیه خلق ویتنام:

- بمبهای ساچمه ای (ازسال ۱۹۶۶)؛
- وسائل ایجاد حریق (بمب ها و گلوله های آتش زا و ناپالم و غیره)؛
- سلاح باکترو-لوژیک؛
- گاز و سایر مواد مسموم کننده.

ناپالم. تا اواخر سال ۱۹۶۸ در حدود ۱۰۰۰۰۰ تن بمب ناپالم بختک ویتنام پرتاب شده است. یعنی بیش از دو برابر بمبهاییکه در جنگ کره بکار رفته بود.

«از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۶۶ در حدود ۲۵۰۰۰۰ کودک ویتنام جنوبی به هلاکت رسیده و ۷۵۰۰۰۰ نفر در نتیجه انفجار بمبهای ناپالم معلول شده اند.» (به پیر مدیر انستیتی ملی کاتولیکها در نیویورک، سال ۱۹۶۸).

کشتار عمدی اهالی. «از فوریه سال ۱۹۶۷ در بیش از ۱۳۰ شهر و مراکز ایالتی و سایر نواحی مسکونی در سراسر ویتنام جنوبی و از جمله در سایگون، گوئیه، دالات، فانت هیئت، کنتوم، پلایکو، بانمت هیوته، کاتتهو، بنجه، مایتهو. تیاوودک، وین لنگک و کالمانو، بککک مواد منفجره ویرانی بعمل آمده است. در ۴۲ مرکز از شهرهای واقع در دلتای رود مکونگ بیش از ۱۰ هزار خانه ویران گردیده و بیش از ده هزار نفر کشته و زخمی شده و ۳۰ هزار نفر بی خانمان شده اند.» (از اعلامیه کمیته قبیح جنایات جنگی امپریالیسم امریکا و هندستان آن در ویتنام جنوبی. هانوی، ۱۵ اوت ۱۹۶۷).

هدف مجو تمدن است. ژنرال کرتیس لی می، رئیس سابق ستاد نیروهای هوائی ایالات متحده امریکا و کاندید معاونت ریاست جمهوری که در انتخابات سال ۱۹۶۸ در حدود ۱۳ میلیون رأی بدست آورد میگوید: «ویتنام شمالی را باید چنان ویران کرد که به عهد حجر باز گردد.»

از ژوئن سال ۱۹۶۶ تا دسامبر سال ۱۹۶۷ بوسیله ۱۳۰۷ هواپیمای ۴۵۵۷ بمب آتش زا و ۴۴۰ بمب ساچمه ای بر روی شهر هانوی ریخته شد. ۷۵ درصد شهر تهاون هوا کاملاً ویران شده است.

تا آغاز سال ۱۹۶۸ مهمترین شهرها و مناطق مسکون جمهوری دموکراتیک ویتنام بارها در معرض بمباران قرار گرفته است. از ۳۰ مرکز بخش، ۲۵ مرکز بشدت آسیب دیده و ۵ مرکز دیگر به ویرانه تبدیل شده و ۳۹ منطقه مسکونی کوچک نیز کاملاً ویران گردیده است. تا اواخر سال ۱۹۶۶ ۳۹۱ مدرسه و ۱۴۹ کلیسا و ۸۰ معبد بمباران شد و از اوت ۱۹۶۴ تا اوت ۱۹۶۷ ۲۴ بیمارستان از ۳۰ بیمارستان بخش در نتیجه بمباران ویران گردید.

بمباران بمنظور ایجاد گرسنگی. امپریالیستهای امریکا با ویران کردن سدها و مخازن آب میخواهند تولید برنج و سایر غلات را کاملاً از بین ببرند. امپریالیستهای امریکا در ماههای خشک سال یعنی از ماه آوریل تا ماه ژوئن که برای کشت برنج و سبزی احتیاج خاصی به آب وجود دارد حملات هوائی خود را علیه مناطقی متوجه میسازند که در آنها سد و ایستگاههای تلمبه و آب بند و کانال احداث شده است، سد های دریائی را نابود میکنند تا بدینوسیله مزارع را در آب شور غرق کنند. ۱۷ سد بیش از ۳۰۰ بار در معرض حملات هوائی قرار گرفته است.

بمب افکن های استراتژیک «ب ۵۲» وحشیانه به وین لین حمله کردند و بمناطقی وسیعی خسارت وارد ساختند. بمب افکنهای «ب ۵۲» در پنج ماه اخیر ۶۷۰ بار بحمله پرداختند و ۲۳ دهرا بسختی بمباران کردند. در این حملات ۳۰ هزار بمب بروی این دهات ریخته شد، صدها تن کشته و زخمی شدند و هزاران خانه و مقادیر بسیار آذوقه و سبزی از بین رفت.

هواپیماها و ناوگان جنگی امریکا مؤسسه کشاورزی دولتی و بیش از ۴۰۰ کلوپراتیو کشاورزی را بمباران کرده اند. تمام کلوپراتیو ناحیه وین لین بوسیله بمبها و گلوله های امریکائی نابود شده است. بمب افکن های «ب ۵۲» فقط در ماه ژوئیه ۴۴ بار بحمله پرداختند و در این حملات ۱۰ هزار تن بمب بروی بیش از ۳۰۰ هکتار مزارع برنجکاری و سبزیکاری فرو ریختند. (اعلامیه کمیسیون پیگرد تبهکاران جنگی در ویتنام، مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۸، هانوی).

اعتراف به جنون. «کاملاً حیرت آور است که کشوری با اینهمه معضلات بفرنج داخلی، کشوری که عملاً در آستان ورشکست جدید مالی در مقیاس جهانی قرار گرفته است، به اتلاف ثروتی برابر تقریباً یک چهارم بودجه خود ادامه میدهد و بیش از نیم میلیون از جوانان خود را در بی ماجرا های جنگی به آسوی کره زمین یعنی بجائی که ارتباط بسیار دوری با منافع حیاتی این کشور دارد، اعزام میدارد» (جرج ککنان، سفیر سابق ایالات متحده امریکا در مسکو، سخنرانی در ویلیامسبرگ، ایالت ویرجینیا، ژوئن ۱۹۶۸).

مواد شیمیائی مسموم کننده. ایالات متحده امریکا از آغاز سال ۱۹۶۱ برای مسموم کردن اهالی و دامها و مزارع بقتیاس

وسیع مواد شیمیائی مسموم کننده بکار میبرد. مساحت زمینهای که در آنها مواد سمی پخش شده است:

در سال ۱۹۶۲	۱۱۰۰۰ هکتار
در سال ۱۹۶۳	۳۰۰۰۰۰ »
در سال ۱۹۶۴	۵۰۰۰۰۰ »
در سال ۱۹۶۵	۷۰۰۰۰۰ »

بنا بر آمار های ایالات متحده تا سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۲ درصد جنگلهای تحت کنترل جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی بوسیله مواد مسموم کننده آلوده شده است.

اردوگاههای مرگ. «از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۷ بیش از یک میلیون نفر از مردم غیر نظامی ویتنام جنوبی در اردوگاهها بقتل رسیده، زخمی شده و یا شکنجه دیده اند.» («کتاب سیاه» هیئت نمایندگی دائم جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی در هانوی، سال ۱۹۶۷). مردم ایالات متحده چندین زبان دیده اند؟ بنا بر آمار رسمی امریکا، ایالات متحده در جریان جنگ ویتنام تا اواخر سال ۱۹۶۸ در حدود ۲۵۰ هزار کشته و زخمی داده است. از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۸ جنگ ویتنام برای ایالات متحده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار خرج برداشته است.

بخشی از سند تنظیم شده توسط احزاب کمونیست و کارگری که در مجله مسائل بین المللی شماره ۴۰ سال ۱۹۶۹ متن کامل آن انتشار یافته است.

دنباله از صفحه ۷

واقعیت زندانهای شاه

بهداشت زندانیان

بقدری وضع دارو خراب است که دارو های محل حاجت و ضروری در داروخانه های زندان یافت نمیشود و زندانی با مضیقه و تهی دستی که دچار است ایستی یا بیماری دست بگریبان باشد و از معالجه چشم بیوشد و یا با هزینه بی محل شخصی خود بهر ترتیبی که باشد از خارج تهیه کند. طیب امراض روانی زندان خود مرض روانی دارد و چه ناراحتی های عصبی است که شخص آقای طیب برای زندانیان بیار نیماورد.

سه سال زندان بجرم یک صلوات

گاه و بیگاه زندانیان را بدادرسى ارتش احضار کرده و بیای میز محاکمه می کشند چنانچه در ظرف هفت هشت ماه عده ایرا احضار نموده اند. آقایان عبدالله مولائی و حسین بنکدار با اتهام شعار صلوات در زندان یکی برای سلامتی حضرت ولی عصر و دیگری برای سلامتی حضرت آیت اله خمینی بدادرسى احضار شدند و بر طبق ماده ۶۹ (تحریک به مسلح شدن) ۱۱ هریک را به ۳ سال زندان محکوم کردند. آقای سید محسن طاهری را به اتهام گفتن «موفق باشید» یکی از زندانیان در هنگام آزاد شدن احضار کردند و معلوم نیست کارشان به

گرفتاریهای مردم

کشور ما مرحله دردناکی از تاریخ خود را میگذراند. دیکتاتوری مطلق سلطنتی، سرمایه داری در حال رشد، سازمان وسیع و فاسد دولت و بوروکراسی حاکم در آن گرفتاریهای بسیار برای مردم کشور ما فراهم آورده است.

نظام اجتماعی ایران زندگی را برای طبقات زحمتکش بی نهایت دشوار ساخته است. گرانی، بیکاری، نبود بهداشت و فرهنگ، هرج و مرج اداری، فساد، خود سری مأمورین دولت، رواج بازار دزدی، رشوه خواری، چاپلوسی و تملق و وجود رژیم ترور و اختناق زندگی را برای مردم میهن ما غیر قابل تحمل نموده است. نارسائی های اجتماعی ایران تنها طبقات زحمتکش جامعه ما را رنج نمیدهد، این وضع اعتراض قشر وسیعی از طبقات مرفه را نیز برانگیخته است. روزنامه اراده آذربایجان چندی پیش نوشت: «هرج و مرج اداری و وجود گرفتاریهای متعدد اجتماعی آنچنان وضعی پیش آورده است که هر کس دستش بسداهش میرسد میگریزد»

اخیراً یکی از دانشجویان ایرانی که با خرج دولت برای دیدن «پیشرفت های کشور» بایران آمده بود هنگام بازگشت با مریکا در فرودگاه تهران به مخبرین جراید گفت: «من تعجب میکنم مردم ایران با اینهمه بدبختی و گرفتاری چگونه میسازند!» رژیم ایران میکوشد حقیقت جامعه ما را پنهان دارد. تلاش وسیعی بعمل میآید تا «جهنم» ایران را «بهشت» جاوه دهند. شاه در هر فرصت از ثبات سیاسی و اجتماعی ایران، از رفاه و آسایش مردم دم میزند. او بی پروا میگوید: «بسیاری از کشورها بزرنگی ما غبطه میخورند». کدام زندگی؟ مسائل اجتماعی متعددی که هم اکنون در ایران مطرح است و روزنامه های وابسته رژیم وجود آنها را انکار نمیکنند گذران دشوار مردم کشور ما را نشان میدهند. بررسی های اخیر سازمان تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران حاکی است که سه چهارم خانواده های ایرانی بطور دائم با مشکل مسکن، غذا، فرهنگ و بهداشت و لباس روبرو هستند. آمار های مختلف بانک ملی ایران نشان میدهد: قسمت عمده درآمد خانواده های متوسط کشور صرف کرایه منزل، غذا، فرهنگ و بهداشت میشود. ترقی سریع کرایه خانه، افزایش مداوم شهریه های تحصیلی و بویژه هزینه های مربوط به بهداشت در سال های اخیر زندگی را برای اکثریت مردم غیر قابل تحمل ساخته است.

یک کارمند قدیمی وزارت دارائی در گفتگو با مخبر روزنامه کیهان میگوید: «من هر ماه ۷۰۰ تومان حقوق میگیرم. ۲۰۰ تومان این پول صرف کرایه دواطاق در جنوب شهر میشود. ما ۷ سر عائله ایم. هزینه تحصیلی ۲ پسر و یک دخترم در ماه تقریباً ۱۵۰ تومان است. ۱۰۰ تومان

نیز خرج رفت و آمد ما میشود. از این پول میماند ۲۵۰ تومان. ما اگر گاه هم بخواهیم بخوریم از ۲۵۰ تومان بیشتر میشود. از این پول باید لباس و غذا و دارو و درمان بچه ها را تأمین کنم. یک عمل ساده اپاندیسیت در بیمارستانهای خصوصی حد اقل ۱۰۰۰ تومان تمام میشود و در بیمارستانهای دولتی هم که هیچوقت جا نیست و اگر انسان بمرید کسی بفریادش نمیرسد...» من نمیدانم کارمندانی که ۳۰۰ تومان و ۴۰۰ تومان میگیرند چگونه زندگی میکنند...»

شاه چندی پیش از یک کارخانه تولید الیاف مصنوعی دیدن کرد. مدیر کارخانه در ضمن توضیحات خود گفت: ما بهترین شرایط را برای کارگران فراهم آورده ایم. وقتی شاه پرسید حقوق کارگران چقدر است مدیر کارخانه گفت: کارگران ساده ۶ تومان و کارگران متخصص ۱۲ تومان میگیرند. شاه با رضایت سر تسکین داد: «بد نیست آیا با ۱۸۰ تومان میتوان یک خانواده را اداره کرد؟» مرکز سازمان تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران باین سؤال جواب میدهد: «حد اقل مخارج یک خانواده پنج نفری بدون احتساب هزینه های مربوط به فرهنگ و بهداشت که دورقم عمده را تشکیل میدهند و همچنین بدون در نظر گرفتن مخارج تفریح و استراحت ۱۰۵۳ تومان است. یعنی روزی ۳۵۱ ریال. اگر مخارج مربوط به فرهنگ، بهداشت، تفریح و استراحت را نیز بآن اضافه کنیم این رقم سه تا چهار برابر افزایش مییابد.

تنها هزینه سرسام آور زندگی نیست که مردم را بستوه آورده است. بیکاری مزمن احساس عدم اطمینان در کار، هزینه های سنگین آموزش و بهداشت، نبود بیمارستان و درمانگاه کافی در محل، گرانی دارو، تقلب در مواد غذایی، مسموم گوشت، آب برق، اتوبوس، موضوع رفت و آمد در شهر احساس عدم امنیت در خانه، رفتار خشن مأمورین با اصطلاح انتظامی با مردم، فساد حاکم در دستگامهای دولتی، بوروکراسی، وجود فقر سیاه از یکطرف و ثروت بی حساب از طرف دیگر محیطی ناراحت کننده، عصبانی و خالی از شادی بوجود آورده است. تابلوی زندگی مردم میهن ما تابلویی بسیار حزن انگیزی است. هیچکس بزرنگی خود اطمینان ندارد. آن ثبات و امنیتی که شاه از آن دم میزند کاذب است. یک پزشک جوان ایرانی میگوید: «من فکر میکنم در هیچ کجای دنیا مانند کشور ما اینهمه مسائل لاینحل اجتماعی وجود نداشته باشد. من وقتی صبح از خانه بیرون میایم اطمینان ندارم که شب سالم بخانه ام باز گردم، در هر گام حادثه ای در کمین انسان است. ناراحتی های روزمره بقدری است که اعصاب سالم برای انسان باقی نمیگذارد. تازه وقتی بخانه ام بر میگردم همایش در این فکرم که در غیاب من دزد آنرا خالی نکرده باشد.

دستگاههای تبلیغاتی رژیم سعی میکنند از زندگی مردم و گرفتاریهای آنها کمتر سخن بگویند. با اینحال اوضاع اجتماعی ایران بقدری در هم ریخته و خراب است که آنها اغلب مجبور میشوند این سکوت را بشکنند.

مجله تهران اکونومیست در سرمقاله شماره ۷۹۵ خود مینویسد: «تعجب آور است در دورانی که انسان بهام میروند ما هنوز گرفتار مشکل گوشت، نان، ماهی، میوه و دارو هستیم. یک وکیل مجلس از پشت تریبون فریاد میزند: «ما کشور مبارزه با بیسوادی هستیم ولی کودکان ما پشت در مدارس مانده اند.» روزنامه اطلاعات نوشته است:

امسال باز ما با یک میلیون کودک بدون مدرسه و چهار هزار کلاس بدون معلم روبرو هستیم» روزنامه ایران نوین مینویسد: راههای کشور مثل کوهان شتر است. سال گذشته در جاده های ایران ۸۱۲ تصادف خونین روی داده است که علت عمده آن خرابی راههاست.»

مدیر بیمارستان لقمان الدوله در تهران میگوید: هر روز در تهران بطور متوسط ۸۰ تا ۱۰۰ نفر مسموم میشوند. تقلب در مواد غذایی در ایران وحشتناک است» مدیر مجله تندرت مینویسد: «از هر ده نفر که در بیمارستانهای ایران میمیرند ۸ نفر آنها در واقع بقتل میرسند زیرا وسیله کافی برای درمان آنها وجود ندارد. گمگمهای نخستین بهچوجه مطرح نیست. روزنامه کیهان نوشته است: «سال گذشته در تهران ۸۴۵ نفر در نتیجه مسمومیت غذایی مرده اند. علت مرگ اکثریت آنها دیر رسیدن به بیمارستان و نبودن وسیله برای نجات آنها بوده است» مجله امید ایران مینویسد: «در ایران گرمترین بازار فروش مواد مخدره وجود دارد.

تعداد مبتلایان به هرئین بیش از نیم میلیون نفر است. هرئین نسل جوان کشور را تهدید میکند.» روزنامه های ایران درباره سیاه عظیم بیکاران، فقر سیاه مردم و زندگی اندوهناک آنها کمتر سخن میگویند. درباره زندگی مردم روستاها بویژه سکوت میشود. ولی سیل بدون انقطاع مهاجرین بیکار و گرسنه که بطرف شهر های بزرگ و بخصوص تهران سرازیر است خبر از زندگی بی نهایت دشوار آنها میدهد.

بانهمه گرفتاری، تبلیغات رژیم، دروغ، چاپلوسی، تملق و سر نیزه خونین آنرا که هر لحظه آماده است سینه ای را بشکافد اضافه کنید سیمای واقعی زندگی مردم ایران را خواهید دید. گرفتاریهای مردم کشور ما زائیده رژیم است که در ایران حاکم است. زندگی ناشاد مردم از ماهیت ارتجاعی و ضددموکراسی آن سرچشمه میگردد. ۱. فروزان

دنباله از صفحه ۱

با گرفتن قرضه های جدید...

مرداد بیک کشور مقروض مبدل گردیده است. و بار قرضه طی ۱۶ سال تسلط شوم رژیم کودتا روز بروز سنگین تر شده است. نیاز دائمی به قرضه خارجی از یکطرف نشانه یک اقتصاد ناسالم و وابسته و از طرف دیگر حاکی از حرص پایان ناپذیر امپریالیستها برای غارت ثروت و دسترنج مردم میهن ماست. به این عوامل تقویت رژیم پلیسی ایران برای سرکوب مردم و تبدیل ایران به پایگاه تجاوز بر ضد کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزادیبخش ملی در خاور میانه، یعنی عامل سیاسی و نظامی را نیز باید افزود.

در واقع مسئله قرضه یک دور تسلسل جهانی است. عقب ماندگی اقتصادی ایران، که نتیجه وابستگی آن به امپریالیسم است، ایران را مجبور میکند که حتی برای برآوردن کسر بودجه خود دست گدائی دراز کند. ولی قرضه ای که از امپریالیستها با شرایط سنگین و استقلال شکن دریافت میشود چون بمصرف واقعی نمیرسد و نمیتواند برسد، نیاز به قرضه را زیاد تر هم میکند: مخارج روز افزون نظامی، مخارج زائد دستگاه دولتی، دزدیهای کلان و ورود کالا های غیر ضروری هم درآمد عادی دولت - و بویژه درآمد نفت - و هم قرضه را میبلعد. بطوریکه بنا به اعتراف مقامات دولتی ایران گداه مجبور شده است حتی برای پرداخت بهره قرضه باز هم قرض بگیرد! و آنکه در اینجا سود میبرد و فقط سود میبرد امپریالیسم است، که هم بهره قرضه را دریافت میکند و هم وابستگی ایران را بخود میافزاید.

قرضه جدید

برای اجرای وظایف جدید

قرضه برای برنامه چهارم دنباله «قرضه های عمرانی» سابق است. ولی مهم و جدید مبلغ هنگفت آنست. روزنامه اطلاعات مینویسد بانک جهانی «هنگامی با درخواست اعتبار موافقت میکند که قبلاً از بابت استحکام وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور وام گیرنده و ضرورت موارد استفاده از وام اطمینان یافته و طرحهایی را که میباید بانک مزبور پیاده شود مطالعه و تصویب کرده باشد.» و مکنامارا رئیس بانک جهانی که برای موافقت با این قرضه به ایران رفته بود گفته است «ایران کلیه شرایط و عوامل دریافت وام از بانک جهانی را حائز است.» اگر بدانیم که بانک جهانی یکی از افزار های بین المللی امپریالیستها بخصوص امپریالیسم امریکا برای تسلط اقتصادی بر سایر کشورها و کسب سود است، آنوقت این تعریف و تمجید از ایران، که اطلاعات از آن میباید بزبان ساده نشانه آنست که ایران از نظر اقتصادی و سیاسی همچنان مورد اعتماد امپریالیستهاست و شاه در سفر اخیر خود به امریکا بویژه اعتماد

دنباله از صفحه ۱

در سیزدهمین (ششمین) پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

يك مجمع مهم و ثمر بخش

نخستین بند دستور جلسه پلنوم با گزارش در باره کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری (مسکو - ژوئن ۱۹۶۹) آغاز شد. (گزارش دهنده رفیق رادمش). گزارش دهنده طی سخنرانی مشروحی که متن آن در مجله دنیا (شماره سوم سال جاری) نشر خواهد یافت، جریان کنفرانس احزاب برادر و تدارک آنرا تشریح کرد. مسائل مطروحه در کنفرانس و محتوی سند اصلی را مورد تحلیل قرار داد. احکام عمده سند را بر شرایط ایران و مبارزه حزب ما انطباق داد. اعضاء پلنوم در بحث مربوط به گزارش بشکل فعال شرکت جستند. در پایان بحث قطعنامه ای که متن آن در شماره آینده مردم نشر خواهد یافت به تصویب رسید. در این قطعنامه گفته میشود: «جلسه تاریخی مشاوره ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری جهان که از پنجم تا هفدهم ژوئن سال ۱۹۶۹ پس از تدارک طولانی و مراعات روح مشورت جمعی و دوگراتیک کامل در مسکو تشکیل شد، بدون تردید حادثه برجسته ای در تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و کامیابی بزرگ این جنبش و مرحله مهمی در راه وحدت و همیوستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهانی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است. . . . پلنوم طی این قطعنامه سند اصلی مصوب جلسه مشاوره احزاب برادر و دیگر اسناد این جلسه مانند سند مربوط به صلح و صد سالگی میلاد لنین و سند مربوط به ویتنام را یکدلانه تأیید کرد و به هیئت اجراییه توصیه کرد برای پخش اندیشه های سند اصلی از کلیه وسائل خود استفاده کند و وظایف مشخصی را که از این سند برای حزب ما ناشی میشود استخراج نماید و برای اجراء عملی آنها وسائل لازم را بیاندیشد و احکام راهنمای این سند را در تحلیل وضع ایران و وجه نظر خود قرار دهد.

در قطعنامه پلنوم بخش خاصی به پیکار قهرمانانه خلق ویتنام علیه تجاوزکاران ددمش امپریالیسم امریکا اختصاص یافته طی آن هیئت اجراییه حزب را موظف ساخته است از کلیه امکانات برای بسط جنبش همبستگی با نبرد قهرمانانه مردم ویت نام که پیروزی آن مستقیماً در اعتلاء نهضت در کشور ما نیز مؤثر است استفاده کنند و در این زمینه تمام ابتکار و شور و علاقه عمل نمایند. در این قطعنامه نقش برجسته اتحاد جماهیر شوروی و مبارزه خردمندانه و بیگیرش در راه دفاع از پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم از انحرافات چپ و راست و در راه تحکیم و هم پیوستگی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تشریح و تصریح شده است. در این قطعنامه پلنوم فعالیت رهبری حزب و هیئت نمایندگی ما را در جلسات تدارکی و در

کنفرانس و گزارش هیئت اجراییه را که به پلنوم تقدیم شده تأیید کرد و توصیه نمود که حزب ما باید در کلیه فعالیتهای بین المللی که در کنفرانس جهانی احزاب برادر از آن سخن رفته (مانند کنفرانسهای تئوریک بین المللی، شرکت در جلسات وسیع ضد امپریالیستی و همانند آن) با جدیت و ابتکار و تدارک لازم شرکت جوید و نقش فعال حزب را در حیات انقلابی بین المللی بالا ببرد. حزب باید در مبارزات علیه ایده نولوژی بورژوازی و جریانات انحرافی چپ و راست، علیه تنگ نظرهای ناسیونالیستی پیوسته خط مشی بی ابهام و روشن داشته باشد زیرا تنها بدین شکل میتواند منویات واقعی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران را منعکس کند. پلنوم استفاده از جلسات مشاوره منطقه ای بین احزاب برادر را وسیله مؤثری برای تقویت مبارزه طبقه کارگر در منطقه معین شمرد و لذا به هیئت اجراییه توصیه کرد تمام کوشش خود را بویژه در مورد تشکیل کنفرانس از احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خاورمیانه بکار برد.

بند دوم دستور جلسه پلنوم گزارش در باره یکصد سالگی میلاد ولادیمیر ایلچ لنین بود. در این مورد گزارش جداگانه ای از طرف هیئت اجراییه کمیته مرکزی تقدیم پلنوم شد (گزارش دهنده: رفیق طبری) در اطراف گزارش بحث مشبعی که حاکی از علاقه و احترام عمیق اعضاء پلنوم به شخصیت لنین و آموزش انقلابی اوست انجام گرفت و قطعنامه ای که خلاصه کننده نتیجه گیریهای پلنوم از بحث است صادر گردید. (گزارش و قطعنامه مربوطه در همین شماره انتشار یافته است.)

بند سوم دستور جلسه سیزدهمین (ششمین) پلنوم کمیته مرکزی راجع به سند «تحلیلی از وضع کشور و وظایف مردم ما» بود که متن آن در شماره ۱ سال جاری مجله دنیا نشر یافته است (گزارش دهنده رفیق اسکندری).

پلنوم پس از استماع گزارش و بحث مشبعی درباره سند آنرا مورد تأیید قرار داد. در بند چهارم دستور جلسه پلنوم گزارش فعالیت هیئت اجراییه و شعب کمیته مرکزی را استماع کرد. در اطراف گزارشهای داده شده بحث پر شور انجام گرفت و پلنوم طی قطعنامه جداگانه ای یک سلسله ارزیابیها و توصیه های مشخص خود را درباره کار سازمانی حزب ابراز داشت و تصمیمات مهمی اتخاذ نمود.

پلنوم متذکر شد که انتخاب هیئت اجراییه در پلنوم دوازدهم (نهم) کمیته مرکزی و فعالیت آن در فاصله بین دو پلنوم گام مثبتی در راه تأمین کار جمعی بوده است. هیئت اجراییه وظایف محوله از جانب پلنوم گذشته را در چهار چوب امکانات خود انجام داده است.

پلنومهای کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایط کنونی زندگی دشوار حزب بهترین وسایل تفکر و تصمیم جمعی بر اساس جهان بینی حزب برای حل مسائل مشخص سیاسی و سازمانی، بهترین وسایل اجراء

دنباله از صفحه ۲

بما مینویسند

چندی قبل نیمه شب زائویی را که از درد ناله میکرد به زایشگاه آوردند، مسئولین بجای توجه و مراقبت او را روی زمین خوابانیدند و رفتند. در جواب اعتراض باین عمل غیر انسانی آنها، جواب دادند «همین است که هست اگر مرد، مرد و اگر هم نمرد شانس آورده است.»

عمده ای از ناویان ایران را برای تحویل گرفتن جزیره ای نام فارسی که قبلاً در اختیار عربستان سعودی بود بطرف دریا میبرند. آنها جزیره را تحویل میگیرند و کشتی بدون اینکه وسائل لازم را برای زندگی ناویان باقی گذارد آنجا را ترک میکنند و هیچکس بسراغ این جزیره نمیرود. ناویان بعد از چندین روز تحمل گرسنگی موقوف میشوند بوسیله برافروختن آتش با یک کشتی انگلیسی را جلب کنند و از طریق وزارت خارجه انگلستان و وزارت خارجه ایران مجدداً با کشور تماس بگیرند.

در بندر عباس شهرام سنگهای کرومیت را توسط شرکتی به خارج صادر میکند، این شرکت برای اینکه مالیات ندهد از وسائل موتورسیکله جدید بندر عباس استفاده نمیکند و سنگها را به کوله حمل داده و به کشتی بار میکنند.

اسرائیلیها را بعنوان مهندس در شرکت هواپیمایی ملی استخدام می کنند و بآنها حقوق گزافی از قبیل ماهی ۱۴ هزار تومان میدهند، در صورتیکه مهندس ایرانی در قبال همان کار ۲ هزار تومان میگیرد.

هواپیماهای ایرانی را برای تعمیر با اسرائیل میبرند.

سازمان امنیت کسانی را که حاضر نشده اند زیر شکنجه را که برای پشتیبانی از آیت اله حکیم تهیه میکردند امضا نمایند، تحت فشار قرار میدهند و حتی دستگیر میکنند.

رفیق کارگری منویسند ۲۰ سالست کار میکنم ولی هنوز زندگی راحتی نداشته ام، حالا که چهار ماهست بیکار شده ام و نتوانستم کرایه اطاق را بپردازم و با تهدید صاحبخانه روبرو شده ام نمیدانم چکار بکنم هر چند دنبال اطاق خالی میروم تا میفهمند ۹ سر عائله دارم میگویند جا نداریم، آنوقت رادیو تهران میگوید هزینه زندگی کم شده و سطح زندگی مردم بالا رفته است.

در پارک فرح بکارگرانی که در پارک کار میکنند و برای کار شبانه روزی خود فقط ۸۰ ریال میگیرند، اجازه نمیدهند که در زیر سایه درختها بنشینند و ناهار بخورند، ساعت کار نگهبانی پارک روزها ده ساعت و شبها ۱۴ است.

دمکراسی حزبی است و از اینجهت دارای اهمیت ویژه است.

وظیفه همه اعضاء حزب در ایران و خارج از کشور بررسی این تصمیمات و اجراء پیگیرانه و حفظ اختیار آنهاست. تنها از این راه میتوان وحدت حزب و سلامت خط مشی آنرا در شرایط بفرنج کنونی حفظ نمود و نیرو

واقعیت زندانیهای شاه

از نامه زندانیان سیاسی زندان شماره ۴ قصر تهران به آیت الله خمینی - ضمیمه پیمان شماره ۱۷ مرداد ۱۳۴۸

زندان اگر چه ماهه افتخار است و با کمال خوشی از آن استقبال کرده و میکنیم، اما گورستانی است برای اندیشه ها و دریای بیکرانی است از محرومیتها و فشار و ستمها و حق کشی ها و . . .

وضع مسکن زندانیان سیاسی

وضع زندانیان از لحاظ گنجایش بصورت رقت بار و تأثر انگیزی است. برای هر یک نفر يك مساحت سر پوشیده «۷۰ سانتیمتر در ۱۰۵۰ متر وجود دارد بعضی از زندانها (نظیر زندان شماره ۳ قصر) حتی از محوطه ای آزاد برای هوا خوری و ورزش و استفاده کافی از نور و هوا، بی نصیب است.

وضع غذای زندانیان

مردم مسلمان روی حس عطوفت و خیر اندیشی برای خویشان و یا دوستان خود از خارج با زحمتی زیاد غذا برای زندانیان سیاسی تهیه کرده و بدر زندان میآورند، اما مأمورین زندان از قبول آن خود داری میکنند و حتی غذای ۳۰ نفر تا دفتر زندان شماره ۴ قصر هم آمد و غذا را نگاهداشته اند تا ترش شد و دور ریختند و بما ندادند. در صورت اعتراض بما میگویند مقامات بالا (ساواک یا اطلاعات شهربانی) چنین فرمانی را صادر کرده اند.

جیره روزانه زندانیان

روزی ۱۲ ریال وجه نقد، ۱۴ گرم شکر، ۱۰ گرم چای و در هفته ۴۰ گرم صابون از نامرغوبترین نوع و ۲ عدد نان که غالباً دو روز مانده و بیات است. تصور میکنیم بدون هیچگونه توضیحی خود شما بهتر بدانید که چگونه یک نفر زندانی نا این جیره ناچیز بزندگی خود ادامه میدهد. بدیهی است که سایر لوازم و ما بحتاج ضروری را از قبیل لباس و کفش و سلمانی و دارو و غیره اغلب در بهداری زندان یافت نمیشود بایستی از خارج تهیه نمود و خریداری کرد. ایست جیره یک نفر زندانی سیاسی.

ملاقات زندانیان با بستگان خود

روز بروز ملاقات را محدود تر میکنند و در صورت اعتراض غیر از تهدید جواب دیگری بما نمی دهند.

دنباله در صفحه ۵

و نقش فعال آنرا برای تکامل جامعه ایران و انقلاب ملی و دمکراتیک آن تقویت نمود. همه علاقمندان به پیروزی خط مشی مارکسیستی لنینیستی در ایران باید باین نکات توجه درجه اول معطوف دارند و حد اعلاي آگاهی و احساس مسئولیت خویش را در این زمینه آشکار سازند.

طبلها میگویند :

صلح هم اکنون !

سیل بی پایان مردم اطراف « کاخ سفید » و « کایتول » را در شهر واشنگتن، خیابان « برودوی » را در نیویورک پر کرده است. در غرش خفه طبلها که بر آنها مخمل سیاه افکنده شده، مردان و زنانی، با چهره های عبوس و جدی سیاه سربازان آمریکایی کشته شده در میدانهای جنگ ویتنام، فهرست شهرها و روستاهای ویران شده در ویتنام را در تابوتهای چوبی میگذارند. تابوتهای از این فهرستها که تعداد آنها به ۴۰۰۰۰۰ میرسد پر میشوند. این هدیه ایست لایق آقای نیکسن؛ کسیکه وارث خلف جنگ افروزان پیش از خود، در خیمه ده ها هزار تن مردم ویتنام و هموطنان خویش است. در نمایش عظیم واشنگتن ۲۰۰۰۰۰ نفر شرکت جستند. پایتخت آمریکا بنا به تصریح خبر - نگاران خارجی، چنان تحت تأثیر این نمایش بود که پیروز دوم آپولو بهاد توجهی نکرد.

در هفته های اخیر سراسر آمریکا و سراسر جهان بخود جنبیده است. جنگ پلیس امپریالیسم آمریکا در ویتنام که از آنجمله قربانیان جهانخواری خود را از میان جوانان آمریکا بر میگزیند، وجدان این کشور را بهیجان در آورده است. نیکسن از یک « اقلیت پر هیاهو » و یک « اکثریت خاموش » که حامی نقشه های خونین اوست، دم میزند. اینها همه لفاظی است. در آن « اقلیت » ادعائی بهترین نمایندگان زحمتکشان و سیاهان برجسته ترین استادان و دانشجویان، همه مادران و پدران داغ دیده، همه کسانی که واقعا میتوانند نماینده وجدان و فرهنگ ملی باشند، شرکت دارند. آمریکا به آن آمریکائی سوداگر و فرومایه ای که میخواهد آقائی و رفاه خود را، به بهای خون مردم ویتنام و سربازان آمریکائی حفظ کند، هرگز فخر نخواهد کرد. آن « اکثریت خاموش » را چه کسی جز خواست زمان بخاموشی وادار کرده است. آری تنها بانگ حقیقت است که میتواند و حق دارد جهانگیر و رسا باشد.

نیکسن ۴۰۰۰۰۰ سرباز و پلیس و جتس باز و جاسوس را برای مقابله با مارش ضد مرگ « بسج کرده است. پلیسها مدتها جنگهای خیابانی را با بمب های تازه و تاکتیک های نو ترین کرده اند. امپریالیسم آمریکا به ثروت و تکنیکی که در اختیار دارد میازد. گویا از آن نیروهائی در تاریخ بی خبر است که ثروت و تکنیک مدرن را عقیم خواهند گذاشت. وقتی ناپالمها جنگهای ویت نام و مزارع برنج را میسوزانند، فرستادن آپولو بهاد چهره امپریالیسم آمریکا را نخواهد آراست و این جلوه گر بهای او حتی در درون خانه خودش بی جلوه میشود.

در شب « موراتوریوم » دوم در واشنگتن، پلیس میکوشید با شعاع خیره کننده نور افکنها نمایش دهندگان را کور کند. یکی از این پرتو ها ناگهان بر چهره غرقه در اشک یک پسر آمریکائی افتاد که میگفت: « گو، کجاست « کلارک » فرزند من ؟ » ولی کلارک در یک جنگ اسارت آور و ننگین کشته شد. خون او و جوانی او بهدر رفت و برای پدرش حتی یک تسلی اخلاقی، یک افتخار معنوی باقی نگذاشت. در نمایش نیویورک، مردم بعنوان سمبل جانفانی که پوچ و عبث بیاد رفت، هزاران بادکنک را به آسمان رها کردند.

طبلها میگویند: در کنار آمریکائی نیکسن ها، آمریکائی دیگری نیز هست که او هم از امپریالیسم خودی زجر میکشد و از آن متفر است. آینده از آن مردم ویتنام و از آن همه کسانی است که از نبرد عادلانه این مردم دفاع میکنند. خونها و اشکها خواهند استاد و نیکسن ها در پلیدی سیاست بردگی آور خود خفه خواهند شد. بیداری در دوران ما بیش از آنست که ستمها و فریبهای کهن بتواند دیری دوام آورد.

۱ سپهر

تسلیمیت



با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حزبی ما صادق زمانی، یکی از با سابقه ترین اعضای حزب کمونیست ایران و از قدیمی ترین اعضای حزب توده ایران در ۷۳ سالگی در شهر باکو بدرود حیات گفته است. رفیق فقید از بنیادگذاران حزب کمونیست در شهر آستارا است. بعلت فعالیت ۱۰ ساله از طرف پلیس رضا شاه مورد تعقیب قرار گرفت و زندانی شد و سالهای بسیاری از زندگانی خود را در زندانهای آستارا، اردبیل، تبریز، شیراز و تهران گذراند ولی هرگز کوچک ترین ترسیمی از خود نشان نداد و روحیه انقلابی و ایمان عمیق خود را تا پایان حفظ نمود.

دنباله در صفحه ۵

پاسخ کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان

به شاد باش حزب ما

حزب توده ایران، کمیته مرکزی، رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان از جانب خود، اعضای حزب و تمام مردم جمهوری دموکراتیک آلمان مراتب سپاسگزاری صمیمانه خود را بمناسبت شادباش برادرانه ای که در بیستمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان ارسال داشته اید ابراز میدارد.

ما در آینده نیز با تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری تمام نیروی خود را در راه اعتلا و پیش از پیش جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی آلمان، در راه وحدت و همپوستگی خانواده کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، در راه تقویت همه نیرو های ضد امپریالیستی و تأمین صلح اروپا و سراسر جهان بکار خواهیم برد.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان
رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان والتر اوبیرشت

همبستگی زحمتکشان ایران

با مبارزه خلقها علیه امپریالیسم خلل نا پذیر

آنها میباشند همیشه از مبارزه قهرمانانه ملت ویتنام پشتیبانی کرده و همبستگی خود را ابراز داشته اند. و نیز بهمین جهت است که ما پشتیبانی مطلق خود را از برادران کشور های افریقائی که در انقیاد استعمار بیدادگر پرتغالی و نژادپرستان افریقائی جنوبی و رودزایی جنوبی هستند اعلام داشته موفقیت بیش از پیش آنها را در مبارزه آرزومندیم.

بطوریکه در شماره قبل با اطلاع خوا-
ندگان گرامی «ماهنامه مردم» رساندیم،
هفتمین کنگره جهانی سندیکاها با شرکت
نمایندگان قریب صد کشور در تاریخ ۱۷
اکتبر ۱۹۶۹ در شهر بوداپست تشکیل شد.
هیئت نمایندگی زحمتکشان ایران نیز در
این کنگره شرکت داشت. اینک خلاصه ای
از سخنرانی نماینده ایران:

در باره مبارزه مردم فلسطین و اعراب در خاور نزدیک و میانه در برابر تجاوز توسعه طلبانه اسرائیل، که با امپریالیسم انگلستان و آلمان غربی و بویژه با آمریکا مربوط است، ملت ایران و زحمتکشان آن همواره در کنار برادران عرب قرار دارند و مبارزه ای که هم اکنون اعراب و بویژه مردم فلسطین تحت رهبری جبهه آزادیبخش، بمنظور ایجاد فلسطین مترقی، سوسیالیستی و ضد نژادپرستی انجام میدهند، مبارزه ما نیز میباشد.

بنام زحمتکشان و ملت ایران از پشت این تریبون اعلام میدارم که: هیئت حاکمه وابسته با امپریالیسم و مترجع ایران و اعمال خرابکارانه آن علیه جبهه مترقی آزادیبخش ملی اعراب از نواحی خلیج تا عراق و دیگر مناطق هیچگونه وجه ارتباطی با ملت ایران ندارد. این زمامداران وابسته با امپریالیسم و مترجع با یکدست بر ملت ایران ضربه میزنند و با دست دیگر کوشش میکنند در مبارزه مردم و زحمتکشان ملل عربی اخلاص کنند.

ما مانند همیشه همبستگی و پشتیبانی خود را از تمام نیروهای مترقی در خاور نزدیک و میانه اعلام داشته بدوستان عراقی، خلیج، سوریه و جمهوری متحده عربی و به برادران مبارز فلسطین دروهای صمیمانه تقدیم میداریم. درود به خلقهای سودان و لیبی که بتازگی رژیم وابسته به امپریالیسم را سرنگون کردند. به پیش برادران عزیز بسوی محو امپریالیسم و انحصارگران و دست نشاندهگان برای زندگی بهتر و عاری از تبعیضهای گوناگون و یک صلح عادلانه و پایدار!

در مرحله کنونی، امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، با وجود تضاد های درونی و تلاشی سیستم مستعمراتیش، به انواع و سائل کوشش مینماید از مبارزه ملتها که برای برانداختن انواع تحمیلات از جانب امپریالیسم انجام میشود جلو گیری بعمل آورد. همانطور که در گزارشهای هیئت دبیران

فدراسیون سندیکائی جهانی تحلیل شده است مبارزه ملت ها در برابر تجاوزات مستقیم یا غیرمستقیم امپریالیسم و در برابر انحصارگران و استعمار نو یا کهنه اکنون دامنه وسیعی بخود گرفته است. خلق و زحمتکشان قهرمان سراسر ویتنام در شمال تحت رهبری حکومت کاملاً ملی و در جنوب بر رهبری جبهه آزادیبخش ملی و حکومت انقلابی موقت که بتازگی تشکیل شده است ضربات پی در پی وقاطعی بر ارتش اشغالگر آمریکا و دست نشانده گانش وارد میآورند.

این مبارزه که از طرف ملت ها و زحمتکشان سراسر دنیا پشتیبانی میشود و از کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد جماهیر شوروی هم از لحاظ معنوی و هم مادی کمک میگردد، دیگر یک مبارزه ضد امپریالیستی در یک ناحیه مین نبوده بلکه همانطور که در گزارش آمده کمک مستقیمی است به مبارزه عمومی ملت ها در راه استقلال ملی، رفاه و آزادی های دموکراتیک و بهمین دلیل زحمتکشان و ملت ایران که زیر سلطه امپریالیسم و انحصارگران و عوامل داخلی